

رسول پویان

وحشت خونبار

ز اوضاع جهان آزرده حال و سخت دلگیرم
به غیر عشق و صلح و مهربانی از همه سپرم
صدای جنگ تاکی گوش دل‌ها را کند معیوب
ز ایام جوانی تا کنون در جنگ آن گیرم
توگویی نیست پایانی دگر در جنگ قدرت‌ها
ترور و وحشت و بحران جاری می‌کند پیرم
ز سوز ناله شام و عراق آتش فتد در دل
سرود خونچکان آورده گویی زیر تأثیرم
طرابلس و یمن در آتش و خون پاک می‌سوزد
ز هرسو کین افراط و ستم بر دل زند تیرم
به افراط و تعصب طالب و داعش بودمشهور
مقابل با سپاه جهل و کوه آتش و قیرم
میان خیل افراط و تعصب نیست توفیری
مده بهر نجات هر کدام صد گونه تفسیرم
سعودی و قطررنگی و ایران رنگ خود دارد
کشید از جور استبداد خونین، چینگ آژیرم
ندارد رنگ اردوغان فرقی با دگر رنگ‌ها
خرامش در شب تاریک دهشت کرده تنویرم
ز پاکستان می‌خیزد مرگ و وحشت و افراط
کند افغانستان را بد تر از سوزیده کشمیرم
دیگر از خنجر خونین پاکستان باکی نیست
عقاب قلّه بابا و شیر شاخ پامیرم
دهد کندوز را با طالبان صد بار گر خاین
دگر ظلم و ستم نتوان کشد هرگز به زنجیرم
ندارد بر کسی تأثیر مکر و وحشت خونبار

کسی دزدیده نتواند ز اذهان عقل و تدبیرم
بود آگاه خلق ما ز عمق نقشه دشمن
مکن آلوده با زهر دسایس رنگ تصویرم
شکستم با سرود عشق دل‌ها خنجر خونین
دیگر تاب ترور خون ندارد چوچه نخجیرم
شراب عشق می‌ریزم اگر در ساغر دل‌ها
به زیر نام دین از فتنه زهد و ریا تیرم

2016/10/9